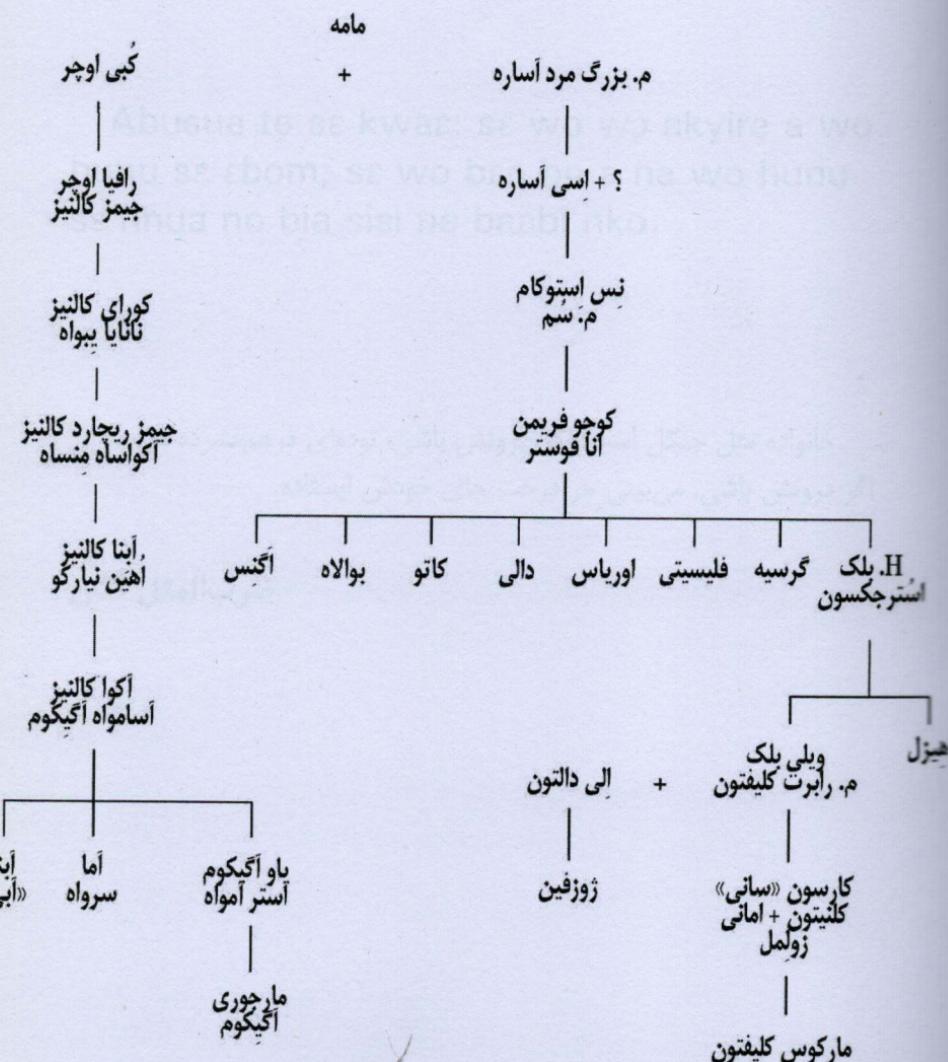


بازگشت به خانه

نویسنده: یا جسی
مترجم: شیرین ملک فاضلی



کتابسرای تندیس



بازگشت به خانه

إفيا

شبی که افیا اوچر در میان بویناک فانته‌لند به دنیا آمد، درست بیرون مجموعه‌ی مسکونی پدرش آتشی به جان جنگل افتاد. آتش، بی‌امان پیش رفت و چندین روز هرچه را سر راهش بود، سوراند. هوا را بلعید؛ توی غارها رسوخ کرد و توی درخت‌ها پنهان شد؛ بی‌اعتنای به ویرانی پشت سرش، بود و نبود را سوراند تا اینکه به دهکده‌ی آسانته رسید. سرانجام آنجا ناپدید شد و به شب آمیخت.

کُبی اوچر، پدر إفیا، همسر اولش، بابه و نوزادش را ترک کرد بلکه بتواند آسیبی را برآورد کند که به مزرعه‌های سیب‌زمینی، ارزشمندترین محصول شناخته‌شده برای دوام خانواده‌ها، وارد شده بود. کُبی هفت زمین سیب‌زمینی اش را از دست داده بود و هر از دست دادنی را همچون تیشه‌ای بر ریشه‌ی خانواده‌اش حس می‌کرد. می‌دانست یاد این آتش‌سوزی که همه‌چیز را سوراند و رفت، از سر او و بچه‌هایش و نوه‌هایش و بقیه‌ی نسلش تا انتهای دست برنمی‌دارد. وقتی به آلونک بابه برگشت و کودکِ شبِ آتش را دید که شیون می‌کند، به همسرش نگاه کرد و گفت: «دیگه حتی یک گلوم درباره‌ی اتفاق امروز حرف نمی‌زنیم.»